کمپ آبی

باشگاه ۱۳۰ هزار دلار داده، دیگر ندارد بدهد!

شیخ دیاباته در آستانه فسخ قرارداد با استقلال

سعید اکبری
ورزش

جلسه هیات مدیره باشگاه استقلال برگزار شد و همانطور که پیش بینی می‌شد، اتفاقات مهمی در این جلسه افتاد که از جمله آنها می‌توان به بالاگرفتن بحث‌ها بین اعضا و مدیرعامل این باشگاه اشاره کرد. از زمانی‌که سعادتمند رئیس هیات مدیره استقلال بود، همواره بحث‌ها وجود داشت تا این‌که او مدیرعامل شد. سعادتمند بعد از ورود به استقلال قول‌هایی داد که باعث شد تحت فشار قرار بگیرد. اعضای هیات‌مدیره هم بابت این قول‌ها گلایه داشتند. همچنین او افرادی را به باشگاه برد که مورد پسند بعضی از اعضا نبودند. وضعیت دیاباته هم باعث شد تا بحث‌ها بیشتر و بیشتر شود.

ماجرای پیچیده دیاباته

باشگاه استقلال این روزها به شدت درگیر پرداخت دستمزد بازیکنان خارجی خود است. سعادتمند اخیرا از اسپانسر جدید باشگاه مبلغ ۵ میلیارد تومان دریافت و با تقسیم این پول بین بازیکنان و کادر فنی تلاش کرد مشکلات مالی را موقتا حل کند. ابتدا هم دستمزد کادر فنی پرداخت شد. بعد از آن نوبت به دستمزد بازیکنان داخلی رسید و در نهایت سعادتمند سر وقت پرداخت پول دیاباته و میلیچ رفت. این دو بازیکن که دیدند باشگاه پول بازیکنان داخلی را داده، سریعا نامه تهدید آمیز ارسال کردند که اگر پولشان را نگیرند به فیفا شکایت می‌کنند و دست به فسخ قرارداد خواهند زد. میلیچ تا این لحظه ۵ هزار دلار و دیاباته هم ۱۳۰ هزار دلار دریافت کرده‌اند. این در حالی است که استقلال باید تا فردا ۱۲۵ هزار دلار دیگر برای شیخ و وکیلش واریز کند. در جلسه هیات‌مدیره این مساله تبدیل به موضوعی داغ شد و اعضا گفتند با توجه به اصرار مجیدی برای حفظ دیاباته، سعادتمند باید ابتدا پول او را می‌داد. یکی از اعضا که نخواست نامش فاش شود، در این‌باره به روزنامه جام جم می‌گوید: «مجیدی حاضر بود خودش پول نگیرد ولی دیاباته در استقلال بماند اما به او پول دادند و به دیاباته تا این لحظه حقوق کاملش را نداده‌اند. حالا اگر دیاباته فسخ کند ما چطور می‌توانیم جلوی مجیدی را بگیریم؟ آیا او که اینقدر اصرار داشت شیخ بماند، شاکی نمی‌شود؟»

باشگاه فعلا قید میلیچ را به طور قطعی زده چون این بازیکن به یکی از نزدیکان باشگاه هم گفته دیگر بنای بازگشت ندارد و اگر پولش را نگیرد، شکایت می‌کند. به نظر می‌رسد با روند فعلی شیخ هم دست به فسخ و شکایت بزند که عوارض زیادی برای باشگاه در پی خواهد داشت. در جلسه سه شنبه هم سعادتمند گفت دیگر پولی ندارند به دیاباته پرداخت کنند که این مساله باعث شد تا همه متفق‌القول از عدم بازگشت او به ایران بگویند.

ابهام در همکاری با کارگزار جدید

پس از اعلام باشگاه استقلال مبنی بر عقد قرارداد با کارگزار جدید، اعلام شد که اعضای هیات‌مدیره باشگاه استقلال به دلیل عدم فسخ قرارداد با کارگزار قبلی، حاضر به امضای این قرارداد نشدند. کامران منزوی، عضو هیات‌مدیره باشگاه استقلال در ابتدا توافق‌نامه با کارگزار جدید را امضا کرد، اما در نامه‌ای به احمد سعادتمند، مدیرعامل باشگاه استقلال اعلام کرد که امضای او به معنای تأیید این قرارداد نیست. منزوی همچنین در حاشیه جلسه هیات‌مدیره استقلال با نشان دادن قرارداد کارگزار، اعلام کرد که اگر قرارداد قبلی با شرکت آریا برتر فسخ نشود، باشگاه دچار مشکلاتی می‌شود.

نکته اصلی ماجرا این است که کارگزار جدید تنها با امضای احمد سعادتمند، حاضر به همکاری شده است.

ورود استقلال و پرسپولیس به بورس

یک تصمیم پوپولیستی

امیررضا واعظ آشتیانی
کارشناس فوتبال

۱ قبل از ورود به بحث خصوصی سازی استقلال و پرسپولیس، ابتدا باید این سوال را از مسوولان وزارت ورزش و جوانان پرسید که تا قبل از این، بابت انتخاب مدیران این دو باشگاه چه متر و معیاری داشتند که افرادی ناکارآمد را انتخاب کردند و هیچ نظارتی هم روی آنها نداشتند. در گزارش تحقیق و تفحص مجلس که همین دو روز پیش منتشر شد، عمده موضوعات به عدم نظارت وزارت ورزش در گذشته و حال برمی‌گشت. وزارت ورزش با مدیرانی که طی این سال‌ها برای این دو باشگاه انتخاب کرد شرایط را به این روز درآورده است و حالا می‌خواهد با واگذاری ۱۰ درصدی، راه نرفته دیگری را امتحان کند.

۲ مگر رئیس سازمان خصوصی سازی همین چند روز پیش از بدهی ۳۷۰ میلیارد تومانی این دو باشگاه حرف نزد؟ مگر وزیر ورزش سال گذشته نگفت ما تمام بدهی‌های این دو باشگاه را دادیم. چه کسی پاسخگوی این تناقض‌گویی‌هاست. با چه فرمولی می‌خواهند این دو باشگاه را وارد بورس کنند؟ شاید آقایان راهی را بلد هستند که دیگران نمی‌دانند! در این صورت چه خوب است این راهکار را اعلام کنند تا دیگران هم یاد بگیرند.

۳ وارد بورس شدن سازوکار و مقدماتی نیاز دارد. یکی این که عملکرد مالی و حسابرسی آن شرکت، با توجه به آنچه در مجمع سالانه اعلام می‌شود، دارای سود باشد. در واقع باید سودآوری داشته باشد، زیان انباشته نداشته باشد. صورت‌های مالی حسابرسی شده داشته باشد. در همان دوره‌ای که می‌خواهد وارد بورس شود سود عملیاتی داشته باشد و بالاخره از کیفیت قابل توجهی برخوردار باشد که این هم متاثر از گزینه‌های بالاست. کدام یک از این مقدمات فراهم است؟

۴ آیا سازمان بورس، دولت و وزارت ورزش می‌دانند افراد حقیقی و حقوقی که سهام این دو باشگاه را خریداری می‌کنند، طبق قانون در پایان هر سال مالی می‌توانند درخواست تقسیم سود داشته باشند؟ اصولا تا به امروز کدام بسته حمایتی برای سرمایه‌گذاری در ورزش تدوین شده تا سرمایه‌گذارها به فعالیت در این دو باشگاه ترغیب شوند. ظرف یک سال می توانند به سودآوری برسند؟ در شرایط کنونی چه التزامی وجود دارد که این دو باشگاه درآمدزا باشند؟ با کدام مدیران می‌خواهند به این اهداف عالیه دست پیدا کنند؟

۵ واقعیت این است که آقایان به دنبال خصوصی‌سازی هستند اما هیچ راهکاری ندارند و در حرف‌ها و اقدامات ضد و نقیض خود گرفتار شده‌اند. کجای اصل ۴۴ گفته، یک سازمان، شرکت یا یک باشگاه را ابتدا به لحاظ مالی ورشکسته و بعد اقدام به واگذاری آن کنیم. اتفاقا باید در مرحله اوج موفقیت و پیشرفت اقدام به واگذاری کرد که سرمایه گذار توجیه اقتصادی داشته باشد. این دو باشگاه باید در شرایط ایده‌آل واگذار شوند تا مردم احساس کنند با خرید سهام آنها می‌توانند منتفع شوند. مردم که قرار نیست پول‌شان را نذر این دو باشگاه کنند و بعد سودشان را هم ببخشند

۶ معتقدم نباید کاری کرد که این دو باشگاه از چاله به چاه بیفتند. متاسفانه بخش قابل توجهی از نشانی‌هایی که آقایان گرفتند، غلط است و در آینده‌ای نزدیک بحرانی در بخش واگذاری این دوباشگاه وجود می‌آید که جمع کردنش به گردن دولت بعدی خواهد بود و این دولت از تبعات کاری که می‌کند مبراست. این‌که بنشینیم و بگوییم هر کدام ۳۰ میلیون هوادار دارند و با دریافت مبلغ کوچکی از هر هوادار می‌شود باشگاه را اداره کرد، یکی از همان نشانی‌های غلط است.

۷ تا زمانی که این دو باشگاه روی پای خودشان نایستند و درآمدهای پایدار نداشته باشند، واگذاری امکان‌پذیر نیست. در این راه اولین اقدام رونق بخشیدن به اقتصاد ورزشی است. البته اقتصاد ورزش با بخشنامه رونق نمی‌گیرد و باید تبدیل به قانون شود تا کارگزاران وارد عمل شوند. این هم یک شرط لازم است، نه کافی. چراکه خود اقتصاد ورزش برگرفته از اقتصاد کلان کشور است.

۸ در پایان بر این باورم که بحث خصوصی‌سازی استقلال و پرسپولیس، جدا از این‌که یک بحث پوپولیستی است، یک فرار رو به جلو برای دولت و وزارت ورزش محسوب می‌شود تا بابت سوءمدیریت‌شان در اداره این دوباشگاه، پاسخگوی افکارعمومی نباشند. باید بپذیریم سهام این دو باشگاه، با توجه به شرایط کنونی هیچ توجیه اقتصادی برای سرمایه‌گذاری ندارند. اگر کاری هم قرار است انجام شود باید مدبرانه صورت پذیرد.

واعظ آشتیانی: تا زمانی که این دو باشگاه روی پای خودشان نایستند و درآمدهای پایدار نداشته باشند، واگذاری امکان‌پذیر نیست. در این راه اولین اقدام رونق بخشیدن به اقتصاد ورزشی است. البته اقتصاد ورزش با بخشنامه رونق نمی‌گیرد و باید تبدیل به قانون شود تا کارگزاران وارد عمل شوند

راه دور خصوصی‌سازی واقعی در ورزش ایران

محمدحسین علی‌اکبری
روزنامه‌نگار

واگذاری دو باشگاه ورزشی استقلال و پرسپولیس سال‌هاست در برنامه دولت‌ها قرار دارد. از آنجاکه هزینه‌های جاری این دو باشگاه، سال به سال زیادتر شده و باری بر دوش دولت‌ها بوده، آنها مدت‌هاست تمایل دارند این دو باشگاه را به بخش‌های غیردولتی بسپارند، اما همواره ملاحظات سیاسی مانع اجرای این تصمیم شده است.

از جنبه فنی و اقتصادی، واگذاری باشگاه‌های ورزشی همچون پرسپولیس و استقلال که درآمد ثابتی ندارند، کار دشواری است و یکی از موانع عدم تحقق این موضوع در سال‌های اخیر همین مساله بوده اما در شرایط کنونی که بازار سرمایه با رونق بی‌سابقه‌ای روبه‌روست و مردم سهام شرکت‌های زیان‌ده را دست به دست کرده و چند برابر قیمت می‌خرند، به‌راحتی می‌شود از شرایط هیجانی بورس استفاده و سهام پرسپولیس و استقلال را وارد بازار سرمایه کرد و مردم هم به تصور کسب سودهای چند برابر اقدام به خرید سهام این دو کنند. اما این شیوه، راهکار کوتاه‌مدتی است که قطعا نتیجه نخواهد داد. درباره نحوه فروش سهام دو باشگاه پرسپولیس و استقلال همچون سایر واگذاری‌ها چند حالت وجود دارد و باید دید دولت کدام را انتخاب می‌کند.

یکی این‌که دولت کل سهام این دو باشگاه را به طور مزایده‌ای به فروش بگذارد. در آن صورت، دیگر مردم و سهامداران خرد نمی‌توانند خریدار سهام این دو باشگاه باشند و شرکت‌های بزرگ و نهادهای عمومی غیردولتی فقط قادر به پرداخت یکجای پول خرید این دو باشگاه خواهند بود. در آن صورت عملا خصوصی‌سازی اتفاق نمی‌افتد زیرا مالکیت دو باشگاه از دولت به یک نهاد عمومی دیگری منتقل می‌شود و عملا آنها ارتزاق‌کننده از بودجه کشور و بیت‌المال باقی می‌مانند و مشکل هزینه‌های آنها نهایتا برسر دولت پابرجا خواهد ماند.

روش دیگر آن است که سهام این دو باشگاه به صورت خُرد در بازار فرابورس به صورت عرضه اولیه فروخته شود. در آن صورت هم مردم عادی و هم شرکت‌های حقوقی بزرگ فعال در بازار سرمایه می‌توانند سهام این دو باشگاه را خریداری کنند که احتمالا موجب می‌شود سهام این دو باشگاه به دست سهامداران متعددی بیفتد که قطعا مالکیت و مدیریت آن دو را دچار خدشه خواهد کرد؛ بنابراین طبیعی است که دولت به سمت چنین روشی نرود.

راه سوم فروش بخشی از سهام به سرمایه‌گذاران خرد و واگذاری یک یا چند بلوک سهام به سرمایه‌گذاران یا کنسرسیوم‌های حقوقی و راه چهارم واگذاری تا ۴۹ درصد سهام به سرمایه گذاران خرد و باقی ماندن ۵۱ درصد سهام دست دولت است که ظاهرا راه چهارم اجرا خواهد شد. هر کدام از این روش‌ها محسنات و معایبی دارد.

به نظر می‌رسد روشی که دولت در نظر دارد برای فروش سهام این دو باشگاه در پیش بگیرد، فروش بخش ناچیزی از سهام آنها در بورس به سهامداران خرد و فروش سهم مدیریتی آن به سهامداران حقوقی (شرکت‌های بزرگ) البته نه به صورت ارادی بلکه با دستور باشد. طبق این روش، مثلا دو سه کارخانه بزرگ کشور، بنا به دستور دولت، سهامدار این دو باشگاه‌شده و مدیریت آنها را عهده‌دار خواهند شد و چند درصد سهام آن هم در اختیار مردم عادی قرار خواهد گرفت. با این روش، دولت به طور ظاهر این دو باشگاه را واگذار کرده اما همچنان مدیریت آنها را به طور غیرمستقیم از جانب کارخانجات بزرگ سهامدار، در اختیار خواهد داشت. با این شیوه، دولت دیگر بودجه‌ای برای پرسپولیس و استقلال خرج نمی‌کند اما این دو باشگاه همچنان بودجه‌خوار باقی خواهند ماند و کارخانجات سهامدار باید از درآمد خود کسر کرده و خرج این دو باشگاه کنند. طبیعی است که مدتی بعد این کارخانجات اعلام کنند که قادر به پرداخت هزینه‌های دو باشگاه نیستند و خواستار فروش سهامشان شوند.

قطعا تا زمانی که شیوه باشگاه‌داری در ایران اصلاح نشود، باشگاه‌داری فقط هزینه‌زا است؛ بنابراین فرقی نمی‌کند دولت خرج پرسپولیس و استقلال را می‌دهد یا فلان کارخانه بزرگ، چراکه بخشی از بودجه کشور صرف مخارج این دو باشگاه می‌شود؛ اما راه مطلوب‌تر چیست؟ پرسپولیس و استقلال برند با ارزشی دارند و هر کدام ۲ ورزشگاه دارند و ارزش قراردادها و بازیکن‌های آنها هم هست. اگر ورزش در ایران حرفه‌ای شود، حق مالکیت معنوی به رسمیت شناخته شود و باشگاه‌ها در فروش بلیت و لباس و سایر نمادها به طور قانونی، سهیم شوند، آنگاه می‌توان انتظار درآمدزایی از پرسپولیس و استقلال را داشت. آن زمان است که این دو باشگاه به عنوان شرکت‌های تجاری سودده به راحتی می‌توانند در تالار اصلی بورس عرضه شوند، نه اینکه مثل شرایط حاضر به علت نداشتن سود، در فرابورس عرضه شوند. بنابراین با شرایط فعلی که قوانین محیطی حاکم بر ورزش تغییر نکرده، صرف واگذاری دو باشگاه، منجر به بهبود ساختار درآمدی آنها نشده و فقط به طور کوتاه‌مدت باری از دوش دولت برداشته خواهد شد.

سراب خصو

رضا پورعالی مازیار فیروزی
ورزش

بیشتر شبیه یک نمایش می‌ماند؛ واگذاری پرسپولیس و استقلال. تقریبا در شعار هر نماینده‌ای که می‌خواسته نامزد ریاست‌جمهوری شود، استفاده از نام این دو باشگاه و طرفدارانش در اولویت بوده‌است. می‌شود گفت نامزدی نداشته‌ایم که خودش را عاشق فوتبال نشان نداده باشد، به تمرین تیم‌ملی یا یکی از این دو باشگاه نرفته باشد و حتی لباس ورزشی تنش نکرده و در زمین چمن لگد به توپ نزده باشد! بستری که این دو باشگاه مردمی داشته و دار باشد برای رسیدن به بخشی از اهداف دس ماجرای واگذاری این دو باشگاه را به نام خو نداد یا این فقط نمایشی بود برای عرض اند ظرفیت‌های این دو باشگاه شرایطی را رقم ز

اولین جرقه خصوصی‌سازی و اصل ۴۴

اولین جرقه خصوصی‌سازی در ورزش کشور سال ۱۳۵۰ زده و مقدمات واگذاری باشگاه پرسپولیس فراهم شد. بعد از انقلاب و پس از پایان جنگ، در دهه ۷۰ کم‌کم خصوصی‌سازی شروع و در دهه ۸۰ اصل ۴۴ ابلاغ شد. در اصل ۴۴ شرکت‌ها به سه دسته تقسیم شده‌اند. در شرکت‌های گروه یک، صددرصد سهام دولت باید به بخش خصوصی واگذار شود و این کار باید تا سال ۸۹ انجام می‌شد. در گروه ۲ دولت فقط مجاز بود ۲۰ درصد سهام شرکت‌ها را برای خود نگه دارد که این کار تا سال ۹۳ باید اجرایی می‌شد که انجام نشده و هر سال نیز تمدید می‌شود. گروه ۳ نیز شرکت‌هایی هستند که ایجاد انحصار می‌کنند. مثل موضوعات امنیتی، بهداشتی و فرهنگی.

بستر خصوصی‌سازی فراهم است؟

اگر وزارت ورزش و جوانان که زیر شاخه دولت است تصمیم به خصوصی‌سازی در ورزش و واگذاری پرسپولیس و استقلال بگیرد، طبق اصل ۴۴ می‌تواند این کار را انجام دهد. البته باید سه مرحله را در نظر بگیرد، مرحله پیش از واگذاری، حین واگذاری و بعد از واگذاری. دولت تا اینجای کار در مرحله پیش از واگذاری موفق نبوده و کاری هم انجام نشده است. برای بسترسازی باید آثار و تجارب منفی واگذاری‌های ناموفق قبلی را استخراج کند تا در ورزش تسری پیدا نکند. وزارت ورزش باید متولی اقدامات پیش از واگذاری باشد.

اهداف خصوصی‌سازی

باید اهداف و سیاست‌های روشنی داشته باشیم و بدانیم چرا می‌خواهیم واگذاری انجام شود و دامنه‌اش تا کجاست. هدف واگذاری باید افزایش بهره‌وری و توسعه اقتصادی باشد. تجربه ده ساله اجرای خصوصی‌سازی در صنایع مختلف می‌تواند به کمک ورزش هم بیاید. ارزیابی از آنها بر اساس تجربه می‌تواند در حوزه ورزش به کمک دولت و دو باشگاه بیاید. واگذاری در حوزه ورزش جنبه اجتماعی هم دارد که باید به آن نگاه ویژه‌ای شود.

صورت‌های مالی در اولویت باشد

بحث مهم دیگر در واگذاری پرسپولیس و استقلال صورت‌های مالی و حسابرسی صحیح بنگاه‌هایی است که باید واگذار شوند. این بنگاه‌ها باید نظام شفاف مالی داشته باشند تا سرمایه‌گذار دچار آسیب نشود و بداند چه سرمایه‌گذاری و آتیه‌ای باید رقم بزند. در این ارتباط باید ارزیابی کارشناسی صورت گیرد. صورت‌های مالی حداقل باید بر همه دیون و مطالبات مجموعه مشتمل و ارزش اجزای مختلف مجموعه نیز مشخص شده باشد تا اعتماد بخش خصوصی جهت در اختیار گرفتن مجموعه جلب شود.

دولتی بودن منفعت دارد

ناهماهنگی و مقاومت مدیران دستگاه‌ها کار واگذاری را مشکل کرده است، چون در دولتی بودن برای این افراد منفعت وجود دارد. واگذاری از قدرت تصدی دولت کم می‌کند و وقتی قدرت اجرایی و تصدی کم می‌شود، مقاومت می‌کنند، چون زمانی که تصدی دارند، راحت‌تر تصمیم می‌گیرند.

نحوه واگذاری و اعتماد س

براساس اصل ۴۴ باید فهرست شرکت برای واگذاری مشخص شود. اما یکی از م اموال و دارایی ورزشی دارد؟ به‌علاوه تع مشخص نیست در کدام یک از این س حین واگذاری جلب اعتماد خریداران و س بنابراین یکی از برنامه‌هایی که سازمان خ بازار برای حضور در فرآیند خرید باشگا

بنگاه ورزشی باید بنگاه

سیاست‌های خصوصی‌سازی در ورزش بنگاه ورزشی بنگاه اقتصادی شود. و فرهنگی تلقی شود، واگذاری باید واگذاری‌های حوزه فرهنگی صورت گ است. طبق تبصره۳ بند«ج» ماد سیاست‌های کلی اصل ۴۴ فعالیت‌ها حوزه سلامت، آموزش، تحقیقات و فرهنگ مشمول این قانون نیست و دولت نمی‌تواند در این حیطه‌ها بنگاهی را واگذار کند، مثلا نمی‌توان دانشگاه تهران را واگذار کرد.

برند پرسپولیس و استق

بحث دیگر مساله برند است. استقلال ولی مشکل این‌است که تا امروز کس ارزشیابی کند! همچنین کسی نتوانس به طورشفاف مشخص کند. درضمن مشخص نیست. وقتی باشگاهی وارد به سهمی که دارد می‌تواند اعمال نظر ک می‌کنند و همه سهامداران می‌توانند د مقابل سهامداران خود پاسخگو باشد.

علت به فرجام نرسیدن
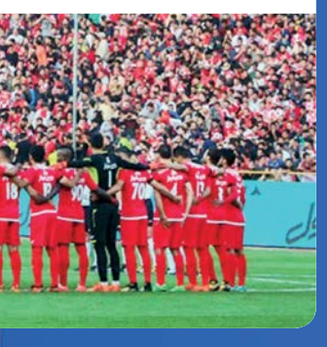
در یک دولت و با برداشت سلیقه‌ای پرسپولیس را به عنوان فرهنگی تعری ندادند. ولی دولت بعدی عنوان کرد از و اقتصادی محسوب می‌شوند. این مو زد. انجام واگذاری‌ها به اراده دولت‌ها ب باشد باشگاه‌های ورزشی مصداق بنگ اراده واگذاری نداشته باشد به توجیها